

مطالعه در خصوص نام‌جای هگمتانه مادی و جایابی آن

کاظم ملازاده^۱ (Kazem mollazadeh)

چکیده

از کهنترین نام‌جای‌هایی که در منابع تاریخی به آن اشاره شده، «هگمتانه» مادی است که اولین بار در سال ۵۵۰ ق.م به عنوان پایتخت پادشاهی ماد به آن اشاره شده و در دوره‌های بعد نیز جایگاه مهمی به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به اهمیت این شهر، از دوره قاجار به بعد، تلاش‌های زیادی به امید کشف آثار هگمتانه مادی صورت گرفته که متأسفانه به نتیجه قابل قبولی دست نیافته است. بر اساس پژوهش حاضر، این شهر قبل از انتخاب به پایتختی ظاهراً ساگ‌بیت و به احتمال کمتر کار-کشی نامیده می‌شده است. با توجه به موقعیت مهم این شهر، مادها آن را به عنوان پایتخت انتخاب کرده و این موقعیت به نوعی در دوره‌های بعد ادامه پیدا می‌کند. هگمتانه مادی به نظر می‌رسد شامل دو بخش ارگ حکومتی و منطقه مسکونی بوده که با توجه به شواهد موجود ارگ حکومتی بر بالای تپه مصلی و منطقه مسکونی در محل بافت قدیمی شهر همدان قرار داشته است.

کلید واژه: هگمتانه، ماد، تپه مصلی، ساگ‌بیت، کار-کشی

۱. مقدمه

هگمتانه یا همدان دوره اسلامی، یکی از کهن‌ترین و مهمترین شهرهای فلات ایران است که از زمان پیدایش تا دوره‌های متاخرتر اسلامی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. این شهر در دوره پادشاهی ماد (قرن ۷ ق.م) به پایتختی انتخاب شد و در دوره‌های هخامنشی، سلوکی، اشکانی و ساسانی، به عنوان پایتخت تابستانی و یا یکی از مراکز مهم حکومتی به حیات خود ادامه داد و مدتی نیز در دوره سلجوقی به پایتختی این سلسله انتخاب شد و یکی از چهار شهر مهم ایالت جبال بود.

نام همدان یا همدان سده‌های نخستین اسلامی، در زبان فارسی باستان به صورت هگمتانه (Hagmatana)، در ایلامی به صورت اگمدانه (Agmadana)، در بابلی به صورت اگمتنو (Agmatanu)، در یونانی به صورت اکباتانا (Ecbatana) و در متون آرامی به صورت احماتا (Ahmeta) ثبت شده است [۱]. از زمان اولین اشاره منابع بابلی به سال ۵۴۹ ق.م، هگمتانه، به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران زمین و شاید نخستین شهری که اقوام ایرانی بنیان نهادند، شهرت بسیاری یافت. بی‌شک بخشی از این شهرت به دلیل انتساب این شهر به مادها و نیز به عنوان پایتخت تابستانی هخامنشی‌هاست.

در این مقاله تلاش می‌شود ضمن مطالعه سابقه تاریخی هگمتانه و نام‌هایی که این شهر قبل از انتخاب به عنوان پایتخت داشته، به جایابی هگمتانه مادی و ساختار احتمالی آن بپردازیم.

۲. بررسی سابقه تاریخی هگمتانه

قدیمی‌ترین اشاره به نام هگمتانه مربوط به متون بابلی و حدود سال ۵۵۰ ق.م است [۲]. این تاریخ اولین اشاره تاریخی به شهر هگمتانه و تصرف آن به دست کوروش هخامنشی است و مسلم است که شهر بسیار قبل از این تاریخ نیز وجود داشته است. بر اساس نوشته هرودوت شهر هگمتانه در حدود اواخر قرن ۸ ق.م توسط دیوکس، موسس پادشاهی ماد بنیان نهاده شده است [۳]. البته این روایت امروزه اعتبار اندکی دارد. متأسفانه در متون آشوری هیچ اشاره‌ای به نام هگمتانه نشده است. در این متون به دو شهر مهم مادی اشاره شده که احتمال می‌رود یکی از آن‌ها همان هگمتانه سال‌های بعد باشد. یکی از این مراکز ساگ‌بیت (Sagbita) است که اولین بار در حدود سال ۸۲۰ ق.م به آن اشاره می‌شود و تا صد سال بعد نیز همچنان بعنوان یکی از مراکز مادی باقی می‌ماند. در گزارش لشکرکشی شمش‌ادد پنجم (مربوط به حدود سال ۸۲۰ ق.م)، به یک حاکم مادی به نام هانشیروکا (Hanaširuka) و مرکز حکومت او، ساگ‌بیت اشاره شده است [۴]. در این کتیبه از این شهر با اصطلاح «شهر شاهی» (Royal city) و به زبان آشوری āl-šarrūti یاد شده که نشان دهنده اهمیت آن است و این ظاهراً تنها موردی است که در منابع آشوری یک مرکز مادی، «شهر شاهی» خوانده می‌شود [۵]. در یک نامه آشوری (ND2443+) که احتمالاً مربوط به سال‌های پایانی تیگلات پیلهر سوم (۷۲۷-۷۴۴ ق.م) است، اشاره‌ای به تبعید یکی از بزرگان یهود به ساگ‌بیت می‌شود [۶]. همچنین در کتیبه دیگر این پادشاه به فتح سرزمین مادی‌های نیرومند و اسکان مردمانی از نقاط دیگر، اشاره شده است [۷]. با توجه به کتیبه‌های مذکور و نیز سابقه طولانی حضور یهودیان در منطقه همدان، می‌توان ساگ‌بیت را با هگمتانه دوره بعد و همدان امروزی مطابقت داد.

مرکز مهم دیگر مادی کار- کرشی (Kar-Kašši) مقر حکومت کشریت (خشتریت) مادی است که در منابع آشوری به آن اشاره شده است [۸]. کشریت رهبر قیام مادی‌ها علیه آشور در فاصله سال‌های ۶۷۴ تا ۶۷۲ ق.م بوده و از این رو

همان گونه که ملکزاده احتمال داده [۹]، امکان دارد مرکز حکومت او با هگمتانه دوره بعد مطابقت داشته باشد. البته شواهد موجود (استفاده از اصطلاح شهر شاهی در ارتباط با ساگبیت مادی، قدمت بیشتر آن، تبعید یهودیان به این شهر و دلایل دیگر) مطابقت ساگبیت با همدان را تایید می‌کند؛ هر چند این امکان نیز وجود دارد که ساگبیت قرن ۸ ق.م، همان کار-گرشی قرن ۷ ق.م و آن نیز هگمتانه قرن ۶ ق.م بوده باشد. تغییر نام در دوره‌ای که با تحولات مهم سیاسی و جابجایی‌های قومی همراه بوده، امری طبیعی است. همچنین باید این فرض را نیز مطرح کرد که احتمال دارد مادی‌ها در اواسط یا اواخر قرن ۷ ق.م و بعد از تسلط بر مناطق غربی ایران، شهر هگمتانه را که از موقعیت استراتژیکی در مسیر ارتباطی بین‌النهرین برخوردار بوده و قبل از این به عنوان محل تجمع نیروهای متحد ماد (شاید نام هگمتانه به معنای محل تجمع از همین زمان رواج پیدا کرده باشد) برای حمله به آشور مورد استفاده قرار گرفته بود را به عنوان پایتخت انتخاب کرده باشند.

۳. بررسی منابع بابلی، هخامنشی و یونانی در ارتباط با هگمتانه مادی

در نبود داده‌های باستان‌شناسی، منابع تاریخی اطلاعات ارزشمندی فراهم می‌سازند که بر اساس آن می‌توان تا حدودی به جایابی هگمتانه مادی و مطالعه ساختار آن اقدام کرد. همچنان که اشاره شد، اولین اشاره تاریخی به نام «هگمتانه»، مربوط به کتیبه نبونئید پادشاه بابل و سال ۵۵۰ ق.م است. در این کتیبه آمده است: «(آستیگ) حرکت داد (لشکر خود را) و علیه کوروش شاه انشان لشکرکشی کرد [...] اما لشکریان علیه آستیگ شورش کردند و او را دستگیر کرده و تحویل کوروش دادند. کوروش به طرف هگمتانه، شهر شاهی، لشکرکشی کرد. نقره، طلا، دارایی و اموال [...] هگمتانه را به عنوان غنیمت با خود به انشان برد [...]» [۱۰].

اشاره بعدی به این شهر مربوط به کتیبه بیستون و حدود سال ۵۲۰ ق.م است که در آن داریوش اول ضمن اشاره به سرکوب شورش مادی‌ها، به هگمتانه به عنوان مقر اصلی حاکم شورشی اشاره می‌کند: «داریوش شاه گوید ... فرورتنی دستگیر شد، به سوی من آورده شد، ... سپس در هگمتانه او را به صلابه کشیدم. و مردانی که وفاداران اصلی او بودند در دژ هگمتانه به دار آویختم» [۱۱]. در نسخه بابلی کتیبه بیستون تاکید شده که سر شورشیان در بالای بارو و یا کنگره‌های دژ هگمتانه قطع شده است. با توجه به اشاره صورت گرفته، می‌توان مطمئن بود که در این تاریخ ارگ و دژی با دیوارهای دفاعی در هگمتانه وجود داشته است. همان گونه که استروناخ اشاره کرده به نظر نمی‌رسد این دژ از ساخته‌های کوروش باشد چرا که او در پاسارگاد نیز اقدام به ساخت برج و بارو نکرد و کمبوجیه و داریوش نیز فرصت چنین کاری را نداشتند. بنابر این استحکامات مذکور باید مربوط به دوره ماد و همان مکانی باشد که خزائن آستیگ در آن نگهداری می‌شده است [۱۲].

بعد از کتیبه بیستون، هرودوت اطلاعات ارزشمندی در ارتباط با هگمتانه و ساخت این شهر به دست دیوکس، فراهم می‌سازد: «... او دیوارهای بزرگ و مستحکمی ساخت که به صورت دوایر متحدالمرکز یکی در داخل دیگری قرار داشت، که اکنون اکباتانا نامیده می‌شود. این قلعه به گونه‌ای ساخته شده که هر کدام از باروهای داخلی تنها به اندازه کنگره‌هایش از باروی بیرونی مرتفع‌تر است؛ این طرح تا حدودی نتیجه ساخت بنا بر روی تپه‌ای است که در میانه دشت قرار گرفته اما بیشتر نتیجه استادی است که در ساخت آن بکار رفته است. قلعه در کل دارای هفت بارو است که در داخلی‌ترین آن کاخ و خزائن قرار گرفته‌اند و طویل‌ترین باروی آن تقریباً به اندازه طول دیواری است که شهر آن را در بر گرفته است. کنگره‌های باروی نخست سفید، دومی سیاه، سومی ارغوانی، چهارمی آبی و پنجمی نارنجی است؛ کنگره‌های

این پنج بارو رنگ آمیزی شده در حالیکه کنگره های دو بارو دیگر با نقره و طلا پوشش یافته است. دیوکس این باروها را برای خود و اطرافیانش ساخت و دستور داد تا مردم بیرون دیوارها زندگی کنند...» [۱۳].

دومین روایت از کتزیاس است. این مورخ از سال ۴۱۶ تا ۳۹۸ ق.م پزشک دربار ایران بوده است. وی بنیاد هگمتانه را به سمیرامیس ملکه افسانه ای آشوری که به گفته او ۱۵۰۰ سال پیش از زمان وی می زیسته است، نسبت می دهد و در این مورد چنین می آورد: «هنگامی که سمیرامیس به هگمتانه آمد، در جلگه ای پست و هموار کاخی ساخت که بیش از هر کاخ دیگری که در جاهای دیگر بنا کرده بود، درباره آن توجه و اهتمام ورزید». وی در ادامه اشاره می کند که به فرمان آن ملکه، نهری از الوند کوه تا همدان جهت تامین آب مورد نیاز حفر کرده اند [۱۴]. هر چند نوشته های کتزیاس، بویژه در این زمینه، اعتبار چندانی ندارد اما اشاره او به ساخت این شهر توسط آشوری ها احتمال دارد مربوط به یا ساخت و سازهایی باشد که در دوره تیگلات پیلهر سوم و سارگون دوم (یعنی دوره ای که منطقه در اختیار آشوری ها بوده) صورت گرفته است.

پولیبیوس (Polybius) دیگر مورخ یونانی (کتاب ۱۰، بند ۲۷) که در اوایل دوره اشکانی و در فاصله ۲۰۴ تا ۱۲۲ ق.م می زیسته، جزئیات بیشتری از شهر باستانی هگمتانه ارائه می کند: «اکباتان در اصل تختگاه مادها بود، و بر دیگر شهرها در ثروت و شکوهمندی ساختمان هایش وسیعا تفوق داشت. آن شهر در دامنه کوه الوند قرار گرفته و با آنکه بدون بارو است دارای ارگی استوار می باشد که به گونه ای شگفت انگیز آن را مستحکم ساخته اند. در پایین آن کاخی برپاست ... کاخ از نظر اندازه، پهنه ای را که محیط آن نزدیک به هفت استاد (۱/۴ کیلومتر) می باشد، پوشانده است و با گرانمندی ساختار در بخش های متعددش، نشانگر ثروت سازندگان نخستین آن است. زیرا، همه چوب ساخته های آن سدر یا سرو بوده، حتی یک تخته تنها پوشش نیافته نمانده، تیرها و تخته کاری سقفها و ستون های رواق سرستون ها با ورقه های سیم یا زر پوشش یافته، در حالی که همه آجرها (سفال ها)، از نقره بوده است...» [۱۵]. پلیبیوس همچنین اشاره می کند که این شهر به جهت پرورش اسب و تولید غله شهرت داشته است [۱۶].

ایسیدوروس خاراکسی، از دیگر مورخین و جغرافیا نویسانی است که به همدان اشاره کرده است. وی که در قرن اول میلادی می زیسته است در کتاب خود به نام «منازل پارتی»، چنین آورده است: «در سه سخونی (حدود ۱۳ الی ۱۴ کیلومتری)، مرز ماد علیا، شهر بازیگران است که محل گرفتن خراج می باشد. از آنجا به فاصله چهار سخونی (حدود ۱۸ تا ۱۹ کیلومتری) به سوی آدراباتان (احتمالا اسد آباد فعلی) قصری در ناحیه باتانا (یا اکباتانا) است و این قصر را تیکرانس، پادشاه ارمنستان ویران کرد. در دوازده سخونی (۵۴ تا ۵۶ کیلومتری)، آنجا باتانا (یا اکباتان) پایتخت ماد، خزانه و معبدی واقع است که در آن مدام قربانی به آنائیتیس تقدیم می کنند. بعد از آن سه روستاست که در هر یک توقفگاهی قرار دارد [۱۷].

۴. بررسی داده های باستان شناسی و نتایج کاوش های صورت گرفته

همان گونه که در مقدمه اشاره شد، یاد و خاطره هگمتانه مادی هیچگاه فراموش نشد. با توجه با گزارش های و نویسندگان اروپایی، سابقه کاوش های تجاری در شهر همدان به دوره قاجار برمی گردد [۱۸]. از این تاریخ به بعد تا سال های اخیر مطالعات و کاوش های زیادی با هدف کشف آثار و به ویژه هگمتانه مادی صورت گرفت [۱۹].

۵. تحلیلی پیرامون جایابی و ساختار هگمتانه مادی

کاوش‌های گسترده تپه هگمتانه که به طور سنتی با «هگمتانه مادی» مطابقت داده شده، متأسفانه تاکنون هیچ مدارک مستندی از دوره ماد فراهم نساخته است. لذا در ادامه تلاش داریم با تکیه به مدارک و شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی و تجزیه و تحلیل مدارک موجود به جایابی هگمتانه مادی و ساختار احتمالی آن بپردازیم.

در بحث جایابی هگمتانه مادی، باید چند نکته اساسی را در نظر گرفت: نخست ضروری است تمایزی میان محل ارگ حکومتی و محل استقرار مردم عادی قائل شد. دوم اینکه با توجه به مدارک تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی، مراکز حاکمیتی یا قلعه‌های این دوره، در حوضه غرب و شمال‌غرب ایران، نه در سطح دشت و نقاط کم ارتفاع، بلکه در نقاط نسبتاً مرتفع و قابل دفاع بنا می‌شدند (شکل ۱-۲).

با توجه به مدارک و شواهد موجود، در طول حیات شهر همدان، از دوره ماد تا کنون، هیچ جایابی و انتقالی صورت نگرفته و شهر در همان مکان نخستین خود باقی‌مانده است.^۱ با توجه به این نکته، تقریباً تردیدی باقی نمی‌ماند که هگمتانه مادی در محل شهر کنونی همدان قرار داشته است؛ اما کدام نقطه شهر؟ همان گونه که در مقدمه این بحث مطرح کردیم، باید تمایزی میان محل ارگ حکومتی و محل استقرار مردم عادی قائل شد.^۲ محل استقرار مردم می‌توانست پیرامون ارگ حکومتی، یک جانب ارگ حکومتی و یا با فاصله‌ای از آن شکل بگیرد و این بستگی به توپوگرافی محل و موقعیت ارگ داشت. ارگ‌های حکومتی دوره مورد بحث تماماً بر بالای ارتفاعات طبیعی یا تپه‌های باستانی ساخته می‌شدند^۳ تا ضمن سهولت دفاع از آن، اشراف و چشم‌انداز مناسبی به مناطق پیرامون داشته باشند. تپه هگمتانه هر چند در بعضی نقاط دارای ساختار صخره‌ای برآمده و کم ارتفاعی است، اما با توجه به کاوش‌های صورت گرفت و عمق آثار مشخص شده، در دوره ماد محل مناسبی برای برپایی ارگ حکومتی نبوده است و بنابر این گزینه مناسبی برای جایابی قلعه مادی به شمار نمی‌رود. شواهد موجود، بویژه تأکید هرودوت به ساخت شهر هگمتانه بر روی تپه [۲۰]، و نیز این حقیقت که اشراف دیوارهای داخلی بر دیوارهای بیرونی، تنها با وجود یک سطح شیب‌دار امکانپذیر بوده، نشان می‌دهد که باید برای جایابی هگمتانه مادی، بدنبال تپه‌ای مرتفع و نسبتاً وسیع بود. تپه مصلی (شکل ۳-۴) در قسمت شرقی شهر، با ارتفاع و وسعت زیاد^۴، بهترین گزینه برای برپایی چنین ارگی است. حضور استحکامات نظامی دوره‌های بعد (حداقل از دوره اشکانی تا دوره قاجار) این فرضیه را که قبل از این توسط پژوهشگران مختلفی از جمله جکسن [۲۱] و هرتسفلد مطرح شده [۲۲]، تأیید می‌کند. جیمز موریه می‌نویسد که سابق بر این قلعه مستحکمی بر بالای این تپه وجود داشته که توسط آغا محمد خان قاجار ویران شده و تنها یک برج مدور و بزرگ آن باقی گذاشته شده تا گواهی بر عظمت بنای اولیه باشد. تخریب دوره آغا محمد خان واقعیتی است که امکان دارد از دوره هخامنشی به بعد، چندین بار نیز تکرار شده باشد. لذا جای تعجب نخواهد بود اگر بقایای مادی در طی این مدت طولانی از میان رفته باشد [۲۴]. جکسن نیز که در سال

۱- برخلاف تعدادی از شهرهای مانند زاهدان کهنه و جدید یا سیرجان قدیم و جدید که شهر به نقطه جدیدی منتقل شده است.

۲- همان گونه که هرودوت و پلیبیوس تمایز قائل شدند و مدارک متعدد تاریخی و باستان‌شناسی نیز چنین تمایزی را تأیید می‌کنند.

۳- تپه نوشیجان، گودین تپه، پاتپه، زیویه، حسنلو، تپه ازبکی و موارد دیگر.

۴- این محوطه با فاصله کمی در جنوب تپه هگمتانه واقع شده و تپه‌ایست بزرگ و طبیعی به طول تقریبی ۶۰۰ (شمالی-جنوبی) و عرض ۴۰۰ متر (شرقی-غربی) و ارتفاع حدود ۸۰ متر. تنها اثر تاریخی سطح این تپه تا سالهای قبل بقایای دیوار دفاعی برجای مانده از دوره اشکانی و بقایای قلعه‌ای از اوایل دوره قاجار بوده است [۲۳].

۱۹۰۳ از همدان بازدید کرده می‌نویسد: «حتی امروزه بقایای از دیوارهای کهنی بر فراز مصلی دیده می‌شود که ضخامت بعضی از آنها به حدود ۵ متر و بلندی آنها به حدود ۶ متر می‌رسد» [۲۵]. متأسفانه در ساخت و سازهای دوره اخیر سطح تپه چنان دستخوش تخریب و خاکبرداری گسترده شده که دیگر امکان ندارد با بررسی و حتی کاوش بتوان به نتیجه قابل قبولی دست یافت. با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان مدعی شد که ارگ حکومتی دوره ماد بر بالای تپه مرتفع و وسیع مصلی قرار داشته که بازسازی‌های دوره هخامنشی، اشکانی و دوره اسلامی، آن را به طور کامل ویران کرده و کاوش‌های غیر مجازی که از دوره قاجار به بعد صورت گرفته و نیز ساخت و ساز دوره اخیر، آثار باقیمانده را از میان برده است. استفاده از این تپه برای ساخت ارگ و قلعه شهر ظاهراً تا اوایل دوره قاجار ادامه یافته است و در این دوره قلعه موجود توسط آغا محمدخان قاجار ویران شده [۲۶] و بعد از آن دیگر قلعه‌ای بالای آن ساخته نمی‌شود. مینیاتور کشیده شده از شهر همدان دوره صفوی، وجود ارگی مسلط و مرتبط با شهر را تایید می‌کند (شکل ۶).

در خصوص جایابی شهر و محل استقرار مردم عادی ماد نیز باید گفت، این محوطه با توجه به شواهد و مدارک موجود در مجاورت ارگ حکومتی و محل بافت تاریخی شهر همدان (و نه لزوماً در محل تپه هگمتانه) قرار داشته است. کاوش قسمت زیرین مسجد جامع [۲۷] و نیز حفاری‌هایی که به منظور ساخت و ساز در بافت کهن شهر انجام گرفته [۲۸]، سابقه استقرار در این نقاط را حداقل تا دوره اشکانی به عقب برده و نشان داده که در کنار استقرار نسبتاً کوتاه مدت تپه هگمتانه، استقرار اصلی و تاریخی شهر در زیر بافت قدیم و کنونی شهر همدان قرار داشته است.

۶. نتیجه‌گیری

یاد و خاطره هگمتانه مادی، همچون بانیان آن (مادی‌ها)، هیچگاه از صحنه تاریخ حذف نگردید و در منابع تاریخی جایگاه شایسته‌ای برای خود کسب کرد. یکی از دلایل این ماندگاری، موقعیت این شهر در مسیر مهمترین شاهراه ارتباطی ایران و دیگر شرایط مناسب زیست محیطی آن است که سبب شده موقعیت و مرکزیت این شهر در دوره فاتحان جدید (هخامنشی‌ها، سلوکی‌ها، اشکانی‌ها و ...) نیز تداوم پیدا کند. هیچ مدرکی و شاهی وجود ندارد که نشان دهد در طی حیات طولانی مدت این شهر، جابجایی یا انتقالی در محل آن صورت گرفته باشد.

تپه هگمتانه با وسعت ۵۰ هکتاری خود تنها بخشی از بافت تاریخی شهر همدان و بخش کوچکی از تاریخچه این شهر (بیشتر نیمه دوم دوره اشکانی و اواخر قاجار و دوره پهلوی) را پوشش می‌دهد و استقرار اصلی را باید در زیر بافت تاریخی شهر، با مرکزیت مسجد جامع، جستجو کرد.

اما در خصوص جایابی ارگ حکومتی دوره ماد با توجه به مباحث مطرح شده، در حال حاضر مناسب‌ترین گزینه، تپه مصلی در قسمت شرقی شهر است که سابقه استفاده و استقرار در آن حداقل به دوره اشکانی می‌رسد. توصیف هرودوت از هفت دیوار تو در توی هگمتانه مادی، هر چند اغراق‌آمیز می‌نماید اما مدارک و نقوش برجسته آشوری نشان می‌دهد که محوطه‌های حاکمیتی این دوره بر روی تپه‌های مرتفع ساخته می‌شدند و برج و باروهای تودرتو و متعددی داشتند و ارگ اصلی در مرتفع‌ترین بخش آن قرار می‌گرفته و با توجه به توپوگرافی تپه‌ای که ارگ بر بالای آنها ساخته می‌شد، هر کدام از باروهای داخلی از باروی بیرونی مرتفع‌تر بوده و بر آن اشراق داشتند و این همان توصیفی است که هرودوت می‌کند. با

توجه به مصالح مورد استفاده دوره ماد که خشت و گل بوده و با توجه به بازسازی‌های گسترده و مکرر دوره‌های بعد و نیز کاوش‌های غیرمجازی که احتمالاً در طول حیات شهر انجام گرفته و همچنین ساخت و ساز دوره اخیر، طبیعی است که آثار مشهودی از ارگ مادی برجای نمانده باشد.

مراجع

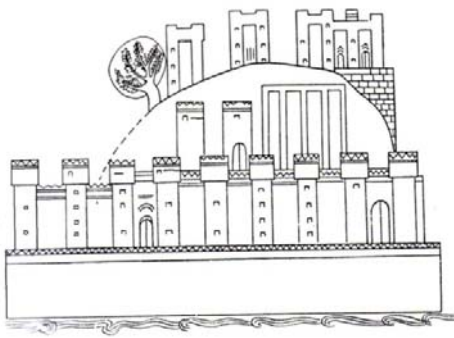
۱. Bryce,2009:212
۲. Cogan,2008: 211
۳. Panaino,2003: 329
۴. Radner,2003:40-41; Luckenbill, 1926:257
۵. Ikeda,1979: 87
۶. Galil,2002:71-79
۷. Tadmor,1994:166-167
۸. Wiseman,1958: 13
۹. ملکزاده، ۱۳۷۴: ۹۴
۱۰. Cogan,2008: 211
۱۱. لوکوک، ۱۳۸۶: ۲۳۴
۱۲. Stronach,2003:242
۱۳. Panaino,2003: 329
۱۴. جکسن، ۱۳۵۲: ۱۷۴؛ اذکائی، ۱۳۶۷: ۶۲؛ صراف، ۱۳۶۸: ۲-۲۹۱
۱۵. اذکائی، ۱۳۶۷: ۶۳؛ جکسن، ۱۳۵۲: ۱۷۷-۱۷۶
۱۶. Bryce, 2009:213
۱۷. جکسن، ۱۳۵۲: ۲۸۰
۱۸. Wilson,1896: 156-57
۱۹. آذرنوش، ۱۳۸۶
۲۰. Panaino,2003: 329
۲۱. ۱۳۵۲: ۱۷۷-۱۷۹
۲۲. اذکائی، ۱۳۶۷: ۶۰
۲۳. مصطفوی، ۱۳۳۲، ص ۲-۱۵۱
۲۴. Stronach,2003: 243
۲۵. جکسن، ۱۳۵۲: ۱۷۸
۲۶. Stronach,2003: 243
۲۷. رنجبران، ۱۳۸۵
۲۸. مصطفوی، ۱۳۳۲: ۱۴۱

منابع فارسی

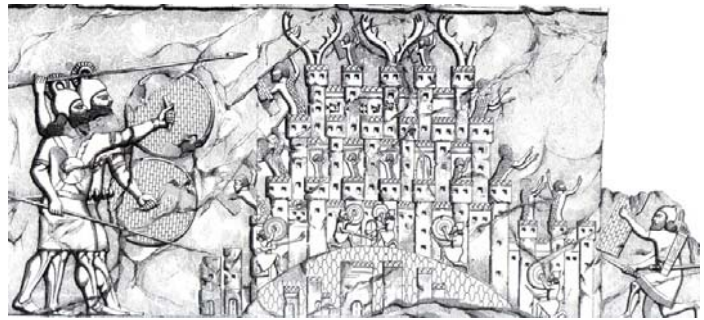
۱. آذرنوش، مسعود (۱۳۵۴). «کاوش‌های گورستان محوطه سنگ شیر»، در گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، آبان ماه ۱۳۵۳، به کوشش فیروز باقرزاده، مرکز باستان‌شناسی ایران، صص ۷۲-۵۱
۲. آذرنوش، مسعود (۱۳۵۵). «فصل دوم کاوش‌های محوطه سنگ شیر در همدان»، در گزارش‌های چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، صص ۵۹-۴۰
۳. آذرنوش، مسعود (۱۳۸۶). «گزارش مقدماتی کاوش‌های لایه‌شناختی تپه هگمتانه همدان»، گزارش‌های باستان‌شناسی، ش ۷، ج ۱ (مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۶۰-۱۹)
۴. اذکائی پرویز (۱۳۶۷)، «درآمدی به تاریخچه باستان‌شناسی همدان»، **باستان‌شناسی و تاریخ**، سال ۲، ش ۲ (پیاپی ۴)، صص ۶۷-۵۶
۵. جکسن، ا. و (۱۳۵۲)، *سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال*، منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، علمی و فرهنگی
۶. رنجبران، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «کاوش‌های مسجد جامع همدان»، در چکیده مقالات همایش باستان‌شناسی غرب ایران، کرمانشاه، آبان ۱۳۸۵، پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۸۱-۷۷
۷. صراف، محمدرحیم (۱۳۶۸)، «هگمتانه»، در شهرهای ایران، جلد ۳، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، جهاد دانشگاهی
۸. صراف، محمدرحیم (۱۳۷۴)، «نویافته‌های معماری و شهرسازی تپه هگمتانه (همدان)»، در مجموعه مقالات تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، ج ۲، چ ۱، صص ۸۱۲-۸۴۰
۹. صراف، محمدرحیم (۱۳۷۸)، «روند معماری و شهرسازی شهر باستانی هگمتانه (همدان)، در پایان نهمین فصل کاوش پاییز»، دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۷۸، صص ۸۷-۱۲۰
۱۰. لوکوک، پی‌یر (۱۳۸۶)، *کتیبه‌های هخامنشی*، ترجمه نازیلا خلخالی زیر نظر: دکتر ژاله آموزگار، تهران، چ ۲، فرزانه روز
۱۱. مصطفوی محمد تقی (۱۳۳۲)، *هگمتانه*، آثار تاریخی همدان، تهران، انجمن آثار ملی
۱۲. ملکزاده، مهرداد (۱۳۷۴)، «پایتخت‌های ماد»، در *پایتخت‌های ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۱۴۶-۸۳
۱۳. نصوص مطراچی (۱۳۷۹)، در بیان منازل، رحیم‌رئیس‌نیا، تهران، سازمان میراث فرهنگی

منابع لاتین:

14. Bryce, Trevor(2009), “The Peoples and Places of Ancient Western Asia: from the Early Bronze Age to the fall of the Persian Empire”, Routledge, London and NewYork
15. Cogan,Mordechai(2008). The Raging Torrent; Historical Inscription from Assyria and Babylonia Relating to Ancient Israel”, Carta Jerusalem
16. Ikeda,Yutaka."Royal Cities and Fortified Cities."**Iraq**(41),1979,pp.75-87
17. Galil, Gershon(2009),Israelit Exiles in Media: A New Look at ND2443+”, **Vetus Testamentum** 59, pp. 71-79
18. Luckenbill,D.D."Ancient Records of Assyian and Babylonia."vol(1),1926;vol(2),1927, the university of Chicago prss
19. Panaino, Antonio(2003). “Herodotus I, 96-101: Deioces conquest of power and the foundation of sacred royalty”, in *Continuity of Empire (?)*: Assyria, Media, Persia, Lanfranchi, G.B and others(eds). Padova. Pp. 327-338
20. Radner, Karen(2003).”An Assyrian view on the Medes“,in *Continuity of Empire (?)*: Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B and others)eds. Padova. Pp.119-130
21. Sarraf,M.R(2003),“Archaeological excavation in Tepe Ekbatana(Hamadan) by the Iranian Archaeological Mission between 1983 and 1999”, *Continuity of Empire (?)*: Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B and others)eds’. Padova. (269-280)
22. Stronach. D(2003), “Independent Median: Archaeological notes from the homeland”, *Continuity of Empire (?)*: Assyria, Media, Persia, (Lanfranchi, G.B and others)eds’. Padova. (233-248)
23. Tadmor,H."The Inscriptions of Tiglath-PileserIII,..."Jerusalem,1994
24. Wiseman, D.J (1958)."The Vassal-Treaties of Esarhaddon.", **Iraq**(20),pp.1-99
25. Wilson,S.G(1896). “Persian Life and Customs”, New York



شکل ۲) نقش دژ مادی خارخار در نقوش برجسته آشوری (دیاکونف، ۱۳۷۱)



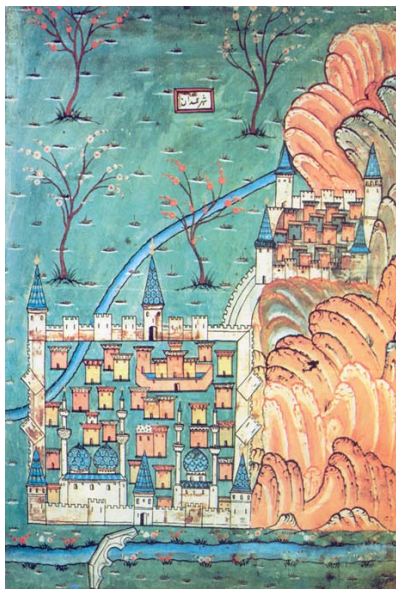
شکل ۱) نقش برجسته آشوری که فتح دژ مادی کیشه‌سیم را به تصویر کشیده است (مجیدزاده، ۱۳۸۰: ۲۱۲)



شکل ۴) عکس هوایی دیگری که در سال ۱۳۴۷ گرفته شده و در آن بقایای قلعه، کاوش‌های غیر مجاز و نیز گسترش شهر به دامنه غربی تپه دیده می‌شود (سازمان نقشه برداری کشور)



شکل ۳) عکس هوایی که در دهه ۱۹۴۰ توسط اشمیت گرفته شده و در آن می‌توان بقایای قلعه و آثار معماری دیگری را مشاهده کرد



شکل ۶) نقاشی مینیاتور از شهر همدان که در دوره صفوی کشیده شده است نوح مطراقچی، ۱۳۷۹.



شکل ۵) نقشه‌ای که فلاندن و کست در حدود سال‌های ۱۸۴۳ تا ۱۸۵۴ میلادی از همدان تهیه کرده که در آن ضمن ارائه گستره شهر، به محل تپه هگمتانه (A) و محل قلعه شهر بر بالای تپه مصلی (B) و نقاطی که در آنها پایه‌ستون‌ها و ستون‌های هخامنشی دیده شده، اشاره شده است. (Stronach.2003:244)